

جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده در آموزه های دینی

محمدنژاد معصومه^۱

چکیده

خانواده یکی از نهاد های اولیه جوامع بشری و یکی از بنیادی ترین نهاد های اجتماعی است که سلامت آن بر سلامت کل جامعه اثر میگذارد. حفظ کانون خانواده از جمله وظایف مهمی است که عملی کردن آن بر عهده زن و مرد به عنوان عناصر مهم خانواده است. برای حفظ کانون خانواده زنان به دلیل روحیات لطیفی که دارا هستند می توانند ، گام های بیشتر و موثر تری بردارند. مقاله حاضر با عنوان جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده در آموزه های دینی، با هدف شناخت عواملی که سبب تحکیم بنیان خانواده میشوند ، نگاشته شد. جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای و پردازش داده ها به صورت توصیفی و تحلیلی است. آنچه که از مقاله حاضر بدست آمده این است که مجموعه ای از عوامل همچون قناعت، گذشت، ایثار، وقت گذاشتن برای خانواده، صبر، فرزند آوری و تربیت فرزند صالح، عفت و پاکدامنی، سبب تحکیم بنیان خانواده می شوند. که در این مقاله تاثیر قناعت زن و تربیت فرزند صالح در تحکیم بنیان خانواده به صورت ویژه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: زن، تحکیم بنیان خانواده، قناعت، فرزند صالح

۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه ریحانه الرسول (سلام الله علیها) نکا

مقدمه

از محیط هایی که انسان غالبا از آغاز تا پایان زندگی رابطه ای تنگاتنگ و سرنوشت ساز با آن دارد کانون خانواده است. حفظ کانون خانواده از جمله وظایف مهمی است، که عملی کردن آن بر عهده زن و مرد به عنوان عناصر مهم خانواده است. برای حفظ کانون خانواده، زنان به دلیل روحیات و لطایفی که دارا هستند، می توانند گام های بیشتر و موثر تری بردارند، به گونه ای که هیچ قدرتی نتواند کوچکترین خللی به ارکان آن وارد نماید. زنان با نقش مادری و همسری و خواهری که در خانواده دارند می توانند با در نظر داشتن اصول و ارزش های انسانی خانواده را به یک کانون مستحکم تبدیل نمایند.

با توجه به تلاشی که غرب در این عرصه برای فروپاشی بنیان خانواده دارد، ضروری است که، زنان آگاه جامعه با تقویت نقش های خود هرچه بیشتر پایه های خانواده را مستحکم تر نمایند. به همین جهت پرداختن به موضوع جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده در آموزه های دینی ضرورت دارد.

در رابطه با موضوع جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده مقالاتی مورد بررسی قرار گرفته است. ضمن تحسین تلاش محققان قبلی به برخی از این مقالات اشاره میکنیم. مقاله جایگاه و نقش زن در سیره حضرت علی (علیه السلام) به نوشته زهرا شجاعی، نقش زن در تحکیم بنیان خانواده، محمد جواد حسن زاده، نقش زن در اقتصاد خانواده زهرا رضایی آهوانویی. ضمن ارج نهادن به تلاش محققان مذکور هیچ یک از مقالات مذکور با محوریت موضوع جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده و بررسی اختصاصی قناعت و سازش اقتصادی زن، و تربیت فرزند صالح در خانواده نبوده است. عوامل بسیاری وجود دارد که سبب تحکیم بنیان خانواده میشود، اما در این مقاله به تاثیر قناعت زن در زنگی و تربیت فرزند صالح پرداخته میشود. بسیار پژوهش حاضر به بررسی جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده می پردازد. بنابر این در این مقاله پس از بیان مقدمه به ۲ سوال فرعی تربیت فرزند صالح و قناعت زن در خانواده چگونه سبب تحکیم بنیان خانواده میشوند؟ پاسخ داده می شود.

مفهوم شناسی

قناعت: در لغت قناعت به معنی خرسندی، بسنده کردن به مقدار نیاز، صرفه جویی و خشنودی نفس به آنچه که از روزی قسمت او می شود، آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۲، ۲۸۲). قناعت در اصطلاح به معنای، ۱- اکتفا به مقدار ناچیز وسایل زندگی در حد ضرورت و نیاز، ۲- وقوف به حد قلت و کفایت و قطع طمع از طلب کثرت و زیادت، ۳- به کمترین مقدار مورد نیاز در حد کفایت زندگی اکتفا کردن و قطع طمع از زیاده خواهی، ۴- راضی شدن به مقدار اندکی از بخشش، ۵- رضا دادن به سهم خویش. (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۱). در یک تعریف کلی میتوان گفت قناعت عبارت است از، دیدگاه فرد نسبت به هستی (بعد شناختی) رضایت دادن به محدودیت ها و مقدورات هستی (بعد عاطفی) و عمل نمودن بر وفق این محدودیت ها و کنار آمدن با آن ها (بعد رفتاری و عملی). (محمدی، ۱۳۸۶، ۲۳)

تحکیم بنیان خانواده عبارت است از هر عاملی که باعث حفظ و تداوم موجودیت خانواده در کنار یکدیگر می شود. (بهشتی، ۱۳۷۷، ۸۷)

تأثیر قناعت و سازش اقتصادی زن در تحکیم بنیان خانواده

قناعت از صفات ممتاز ا

خلاق است و وجود زنانی قانع در خانواده سبب استحکام بنیان خانواده می شود. قناعت، از صفاتی است که تضمین کننده آرامش در خانواده می باشد. از مصادیق قناعت زن در خانواده میتوان به اولویت بندی در نیازها، مصرف بهینه، ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی اشاره کرد، که رعایت این مصادیق دستاورد هایی همچون آرامش، عزت نفس، بی نیازی از دیگران را به همراه دارد.

۱- مصادیق قناعت زن در خانواده

قناعت از صفات پسندیده اخلاقی است، که برای دست یافتن به این صفت اخلاقی، باید تلاش کرد. قناعت از جمله صفاتی است که تضمین کننده آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است. و فقدان آن آرامش را از زندگی می رباید. زنان به عنوان مدیر داخلی خانواده تاثیر زیادی در موفقیت خانواده دارند.

۱- اولویت بندی در نیازها

یکی از مصادیق قناعت اولویت بندی در نیازها است. به نظر می رسد خرید های غیر ضروری و بدون برنامه ریزی تاثیر مستقیمی بر عدم استحکام خانواده داشته باشد. بسیاری از مشکلات خانوادگی ناشی از مسایل اقتصادی است. مهم ترین نیاز های انسان نیاز به غذا است. زنان با خرید مواد غذایی به صورت آگاهانه و برنامه ریزی شده از قبل می توانند در پیشرفت اقتصاد خانواده مثر ثمر باشند. خوراک از نیاز های ضروری است اما زنان با قناعت در خرید و خرید آگاهانه همراه با تهیه لیست خرید و پرهیز از خرید های غیر ضروری، می توانند به استحکام خانواده کمک کنند. نعمت لباس، که زینت بدن و حافظ آن از سرما و گرما می باشد، اولویت بعدی مصرف خانواده است. زن در جایگاه مادری در خانواده با نهادینه کردن فرهنگ استفاده درست و مناسب از لباس و رعایت در نگهداری از لباس می توانند، در کمک به اقتصاد خانواده تاثیر گذار باشد. قناعت در استفاده و خریدن لباس به معنای نداشتن لباس نیست، داشتن چند دست لباس برای مصارف مختلف در زندگی اسراف نیست. چنانچه شخصی از امام کاظم (علیه السلام) سوال نمودند، «اگر انسان دارای ده پیراهن باشد اسراف است. حضرت فرمودند؛ خیر، و این بیشتر موجب نگهداری لباس های او است. لیکن اسراف آن است که لباس آبرومند و قیمتی خود را در جاهای کثیف و یا به هنگام اشتغال به کار روزانه و گل و خاک پیوشی» (مجلسی، ۱۳۶۲، ۱، ۳۱۷). لذا لباس های متعدد داشتن، خود نوعی رعایت اقتصاد است. زیرا که اگر یک لباس مدام پوشیده شود، زود کهنه می شود و اگر چند لباس باشد و به نوبت پوشیده شود، برای زمان بیشتری دوام می آورد. زن در خانواده در جایگاه مادری باید توجه داشته باشد، که شخصیت اجتماعی افراد معمولا به نوع لباس آن ها ارتباط دارد. لذا باید فرهنگ مراقبت و نگهداری از لباس در خانواده نهادینه شود. تا لباس دوام بیشتری داشته باشد. که دوباره نیاز به خریدن لباس پیدا نکند. از نیاز های واقعی انسان نیاز به مسکن است. در زندگی مشترک اگر مرد توان خرید خانه را داشته باشد، از نظر اقتصادی، خانواده در شرایط بهتری به سر می برد. اما در غیر این صورت اجاره نشینی و مستاجری شرایط را کمی سخت تر می کند. که زن با مدیریت و قناعت می تواند زندگی را شیرین کند. تحصیل، بهداشت، درمان، مسافرت، تفریح، مهمانی، زینت و آرایش و تهیه وسایل رفاهی از اولویت های دیگر زندگی می باشند، که در دسته اولویت های اصلی نیستند. زنان با مدیریت و برنامه ریزی و بعد از رسیدن به اولویت های اصلی می توانند به اولویت های ثانویه برسند. اولویت بندی نیاز ها از مصادیق قناعت است به همین جهت زن در خانواده باید شرایط مالی مرد را در نظر بگیرد. اولویت بندی نیاز ها و بازگو نکردن نیاز هایی که فراهم ساختن آن نزد مرد ممکن نیست، از مصادیق بارز قناعت می باش

د. که موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی و تحکیم بنیان خانواده می شود. در سیره زندگی حضرت زهرا آمده است که، «یک روز صبح حضرت علی (علیه السلام) به فاطمه (سلام الله علیها) فرمودند: آیا غذایی نزد توهست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمودند: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته ایم به رغم نیاز خود و حسن و حسینم، به دیگران داده ایم. پس، علی (علیه السلام) فرمودند: ای فاطمه چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برای شما تهیه کنم؟ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمودند: ای ابالحسن من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی.» (مجلسی، ۱۰۳۷: ۵۹، ۴۳). از این حدیث ارزشمند به دست می آید که کتمان نیازها و بازگو نکردن آن در نزد همسر به ویژه هنگامی که تامین آن برای او ممکن نیست از مصادیق بارز قناعت است. علاوه بر این گاهی اوقات مناسب است که فرد با درک شریک زندگی خویش نه تنها از او درخواستی نکند بلکه سعی کند او را در اوج مشکلات معیشتی، به صبر سفارش و به توجه عنایات خداوند متعال و توکل بر او ترغیب نماید. «مردی به حضور رسول خدا شرفیاب شد و عرض کرد همسری دارم که هرگاه وارد منزل می شوم به استقبال من می آید و چون خارج می شوم بدرقه ام میکند. هرگاه مرا غمگین می بیند، میگوید چرا ناراحتی؟ اگر برای روزی دنیا است که ناراحتی، خداوند عهده دار آن است. و اگر برای آخرت خود بیمناکی خداوند دل مشغولی تو را بیشتر کند. پس رسول خدا فرمودند: به درستی که برای خدا کارگزاری است و این زن از کارگزاران خداست. که برای او نیمی از پاداش شهیدان است» (حر عاملی، ۱۰۸۲، ۱۷، ۱۴). این همسر قانع نه تنها خود با مشکلات کنار آمده و توقعی از همسر خویش ندارد، بلکه زمینه بروز هرگونه ناراحتی در زمینه معیشت را نیز از همسر خود دور میکند.

۱-۲ مصرف بهینه

یکی دیگر از مصادیق قناعت مصرف بهینه می باشد. منظور از مصرف بهینه، استفاده صحیح و به جا از امکانات زندگی خانوادگی و نعمت های الهی، صرفه جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر است. اسلام همه را به مصرف بهینه و بهره برداری درست، از نعمت های الهی و امکانات زندگی دعوت کرده است، و از اسراف و تبذیر بر حذر داشته است. خداوند متعال در آیات قرآن میفرماید: «و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما» (فرقان، ۶۷) آن ها کسانی هستند که چون اتفاق کنند نه ولخرجی میکنند و نه تنگ میگیرند و میان این دو حد وسط را برمیزینند. «روزی امام صادق (علیه السلام) همین آیه شریفه را تلاوت فرمودند و در توضیح آن مثنی سنگ ریزه از زمین برداشتند، و محکم

زیبایی ها دقت بیشتر در کار های جزئی و افزایش شادی و نشاط والدین میگردد. (آیت الهی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). یکی از عوامل ازدیاد شور و نشاط و آرامش در زندگی حضور و تولد فرزند در خانواده می باشد. حضور فرزند در کنار خانواده باعث آرامش والدین و این امر سبب بهرمندی شادی و لذت در خانواده میشود که استحکام خانواده را به همراه دارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرمایند: فرزند صالح گلی از گل های بهشت است. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۱). فرزندان صالح باعث پایداری زندگی می شوند. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند، شیرین ترین چیز برای والدین چیست؟ ایشان پاسخ دادند داشتن فرزند جوان. سپس فرمودند تلخ ترین چیز برای والدین چیست؟ ایشان فرمودند از دست دادن فرزند. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۸۸).

تعالی شخصیت و کسب آبرو، یکی دیگر از نقش های فرزندان صالح در تحکیم بنیان خانواده است. این که دیگران انسان را دوست داشته باشند و برایش شخصیت قایل گردند چیزی است که هر انسان متعارف آن را آرزو دارد. و دنبال راهی میگردد تا آن را کسب کند. یکی از راه های بدست آوردن تعالی و رشد شخصیت فرزند داشتن است. که وجود فرزند در زندگی سبب میگردد والدین بیشتر اجتماعی شده و شخصیتشان رشد پیدا نماید. وجود فرزندان صالح در خانواده سبب میشود بر شخصیت والدین افزوده شود و والدین با پذیرش نقش پدری و مادری به کمال می رسند. «ازدواج، داشتن فرزند زیاد و تشکیل خانواده های بزرگ برای رشد والدین و ساخته شدن شخصیت فرزندان مفید است. تنها ریشه عمومی رشد و پختگی انسان در پرورش فرزند قرار دارد. هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد کودکی کردن کمتر است یعنی وقتی شما زندگی خود را صرف خوب شدن و رشد دیگران کنید آدم دیگری خواهید بود ولی با داشتن بچه های کم رشد شما کند خواهد بود» (آیت الهی ۱۳۹۴، ۱۸۲).

فرزندان صالح باعث پیشرفت و حمایت خانواده میشوند و اینگونه زندگی خانوادگی نیز پایدار و مستحکم تر میشود. «روزی امام حسن عسکری (علیه السلام) که به دستور معتمد عباسی (لعنت الله) در زندان به سر میبرد، به یکی از یاران خود در زندان فرمودند آیا فرزند داری؟ عرض کرد خیر. امام در باره او دعا فرمودند خدایا به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد چرا که فرزند چه خوب بازویی است. هر کس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر بر او ستمی رود، فرزندش آن را میستاند.» (قطب الدین، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۷۸). فرزند صالح در خانواده بهترین حامی برای والدین می باشد. و خانواده را در بسیاری از مواقع در مشکلات در بیماری در تنگدستی و مصیبت و گرفتاری مورد حمایت خود قرار میدهد و سبب استحکام بنیان خانواده میشود. به همین جهت قرآن کریم داشتن مال و فرزند را نشانه امداد الهی و

وسیله قدرتمندی و اقتدار میداند و میفرماید؛ «و شمارا به وسیله اموال و فرزندان یاری میرسانیم.» (اسراء، ۶). امام سجاد (علیه السلام) میفرماید؛ «از سعادت مرد این است که فرزندی داشته باشد تا در مشکلات به یاریش برخیزند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۵۶).

فرزندان مایه برکت زندگی هستند و حضور فرزند در خانه سبب پایداری خانواده میشود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید؛ «فرزند در خانواده مایه آرامش و برکت در زندگی است و خانه ای که در آن بچه نیست برکت ندارد.» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴). بعضی از افراد فکر میکنند با تولد فرزند والدین فقیر میشوند ولی فرزند با تولد خود رزق و روزی را با خود به همراه می آورد. خداوند در سوره انعام میفرماید؛ «فرزندان خود را از بیم درویشی مکشید، ما هم شما را روزی میدهیم و هم ایشان (فرزندان) را.» (انعام، ۱۵۱). اگر والدین به خصوص مادر که نقش مهم و اساسی در تربیت فرزند دارد بتواند فرزندی شجاع و موفق تربیت کند این فرزندان در بزرگسالی زمانی که به موفقیت و جایگاهی رسیدند دست پدر و مادر خود را میگیرند و باعث اقتدار والدین میشوند. در واقع وجود فرزند صالح نعمت بزرگی از طرف خداوند مهربان است که برکت و رزق و روزی به همراه دارد و باعث پایداری خانواده میشود.

نتیجه گیری

کانون خانواده از محیط هایی است که انسان از آغاز تا پایان زندگی رابطه ایی تنگاتنگ با آن دارد. حفظ کانون خانواده از جمله وظایف مهمی است که عملی کردن آن بر عهده زن و مرد به عنوان عناصر مهم خانواده است. برای حفظ کانون خانواده زنان به دلیل روحیات و لطایفی که دارا هستند میتوانند گام های بیشتر و موثر تری بردارند، به گونه ایی که هیچ قدرتی نتواند کوچکترین خللی به آن وارد نمایند. عواملی که سبب تحکیم خانواده میشوند بسیار هستند اما در این مقاله قناعت زن در تحکیم بنیان خانواده و تربیت فرزند صالح، مورد بررسی قرار گرفته است. زنان با قناعت در زندگی میتوانند سبب تحکیم بنیان خانواده شوند. قناعت مصادیق فروانی دارد یکی از مصادیق آن مصرف بهینه میباشد. منظور از مصرف بهینه استفاده صحیح و به جا از امکات زندگی و نعمت های الهی، و همچنین صرفه جویی و پرهیز از اسراف میباشد. اولویت بندی در نیاز ها یکی دیگر از مصادیق قناعت

میباشد. خوراک پوشاک و مسکن از نیاز های اساسی زندگی میباشند که رسیدگی به این نیاز ها باید در اولویت قرار بگیرد. ساده زیستی و پرهیز از چشم و هم چشمی از دیگر مصادیق قناعت زن در خانواده میباشد که سبب تحکیم بنیان خانواده میشود. قناعت زنان در خانواده، سبب آرامش، عزت، بی نیازی از دیگران، عزت نفس میشود که اگر زنان به این مصادیق قناعت عمل کنند زندگی رنگ خوشحالی و پایداری میگیرد. تربیت فرزند صالح سبب حفظ و پایداری خانواده میشود. مادر منشا مهر و محبت در خانواده است. مادر نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد و شروع پرورش فرزندان در دامن مادر است. مادر با تربیت صحیح فرزندان، آن ها را از رذایل اخلاقی دور نگه می دارد. مادر با الگو بودن خود برای فرزندان و حفظ و تقویت نقش مادری میتواند فرزندان صالح تربیت کند. تربیت فرزندان صالح سبب تحکیم بنیان خانواده می شود که فرزندان باعث تعالی شخصیت و کسب آبرو برای والدین، پیشرفت و حمایت از خانواده میشوند که این امر سبب پایداری و تحکیم خانواده می شود.

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱- احمدی، احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴ش

۲- بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش

۳- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۸۲ش

۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم درر الکلم، قم، انتشارات دارالکتاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه ال البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق

۶- حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۳

- ۷- خمینی، روح الله، سیمای زن در کلام امام خمینی، تهران، انتشارات اداره کل وزارت ارشاد، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش
- ۸- خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۲
- ۱۰- سید الساجدین امام سجاد، صحیفه سجادیه، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۱۸ق
- ۱۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ق
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، بیروت، موسسه علمی مطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق
- ۱۳- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰
- ۱۴- علوی، فاطمه، زن و تجمل پرستی و چشم وهم چشمی، تهران، انتشارات پاسداران اسلام، ۱۳۷۴ش
- ۱۵- قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، تهران، انتشارات امیری، بی تا
- ۱۶- قطب الدین، سعید بن عبدالله، الخرایج و الجرایح، قم، موسسه امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۹ق
- ۱۷- کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)، مشهد، نشر الف، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش
- ۱۸- لبیبی، محمد مهدی، خانواده در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات علم، ۱۳۹۳ش
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، بحار النوار، بیروت، دارالحیا التراث العربی، ۱۱۱۰
- ۲۰- محمدی، محمد رضا، قناعت و سلامت روان، قم، انتشارات امام خمینی، ۱۳۸۶
- ۲۱- مردانی نوکنده، محمد حسین، ساده زیستی در تعادل زندگی، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۹۲ش
- ۲۲- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰
- ۲۳- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ش
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۸

٢٥- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسایل، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٨ ق